



یالس عزت وقدرت

✎ پس از اظهارات اخیر برخی مقامات دولتی و تیم مذاکره‌کننده که کاملاً از موضع ضعف بود و آمریکا را به فشارهای بیشتر به ایران، امیدوار می‌کرد، شب یکشنبه سرلشگر محسن رضایی دبیر شورای امنیت ملی در یک گفت‌وگوی تلویزیونی مواضع قدرتمندانه و عزتمندانه‌ای اتخاذ کرد و پیام قدرت به آمریکا فرستاد.

برخلاف جریان حامی مذاکره و تسلیم و عقب‌نشینی، سرلشگر رضایی مواضع تهاجمی علیه آمریکا اتخاذ کرد. رضایی همچنین برخلاف عبدالناصر همتی که مدعی شده بود صادرات نفت ایران به علت فشارهای آمریکا صفر شده، اعلام کرد که ایران به اندازه توان تولیدش در حال صادرات نفت است و بدین ترتیب موضع خفت‌بار همتی را اصلاح کرد.

وی با اشاره به مدیریت تنگه هرمز افزود: تنگه هرمز علی‌رغم ادعای آمریکایی‌ها بسته است و تا آمریکا رفتارش را اصلاح نکند باز نمی‌شود. این بار آمریکا است که باید اول از همه به تعهداتش عمل کند. بیش از ۵۰ درصد سواحل خلیج فارس برای ایران است و این ما هستیم که باید تنگه هرمز را مدیریت کنیم. جمهوری اسلامی ایران خواهان پایان جنگ در غرب آسیاست و مقابل جنگ‌طلبان دنیا ایستاده است.

۲

یالس ذلت و حقارت

✎ در روزهای اخیر شاهد سیگنال‌هایی از جانب مقامات دولت پزشکیان خصوصاً عبدالناصر همتی هستیم مبنی بر اینکه به علت فشارهای آمریکا صادرات نفت کشور متوقف شده یا امکان واردات بنزین وجود ندارد یا دولت دیگر پولی برای بسیاری از امور ندارد. هرچند ظاهراً این سخنان، اعتراف به ناکارآمدی دولت اصلاح‌طلب است، اما هدف غایی این نوع مواضع، چیزی جز تحمیل مذاکره با آمریکا به نظام جمهوری اسلامی نیست.

در روزهای اخیر شاهد مواضع خفت‌بار بانک مرکزی بوده‌ایم به طوری که بانک مرکزی برخلاف وظایفش جهت کنترل نرخ ارز که نیازمند فضای روانی آرام در جامعه است، هرگونه خبر رسانه‌های انقلابی مبنی بر وصول درآمدهای نفتی کافی برای اداره اقتصاد کشور را هم تکذیب می‌کند و بلافاصله بعد از این تکذیبیه‌ها شاهد گران شدن دوباره ارز هستیم.

از چهارشنبه هفته گذشته که عبدالناصر همتی که عنوان ضعیف‌ترین رئیس بانک مرکزی تاریخ ایران را یدک می‌کشد، در مصاحبه تلویزیونی ادعا کرد صادرات و درآمد نفت کشور به صفر رسیده، قیمت دلار با شتاب بیشتری افزایش یافت و طی ۴ روز کاری پس از سخنان همتی و تکذیبیه‌های بانک مرکزی، دلار ۱۲ هزار تومان گران شد.



۲

نسخه تکراری اصلاح‌طلبان؛ بن بست‌نمایی اوضاع اقتصادی برای تحمیل مذاکره

دوز واکسن کرونا به کشور وارد شد و ایران به سرعت نسبت به آن بیماری همه‌گیر مصون شد. واکسیناسیون سراسری ایران با واکسن‌های وارداتی در ابتدای دولت شهید رئیسی مشخص کرد که بهانه تحریم‌ها یا FATF چیزی جز فشار به نظام برای پذیرش دور جدید مذاکرات و عقب‌نشینی از مواضع بحق ایران نبود.

فاش شد. اکنون هم دولتمردان اصلاح‌طلب همان سیاست را در پیش گرفته‌اند. مثلاً دولت روحانی از واردات واکسن کرونا خودداری می‌کرد و مسئولان آن دولت بهانه می‌آوردند که به علت تحریم‌های آمریکا و نپذیرفتن شروط FATF کسی به ایران واکسن کرونا نمی‌دهد؛ اما مردم شاهد بودند که بلافاصله با شروع دولت سیزدهم، میلیون‌ها

مواضع اخیر همتی و سایر ارکان دولت پزشکیان، خطی است که دولت اصلاح‌طلب قبلی یعنی دولت حسن روحانی هم در دوره دوم خود پیش گرفته بود. پس از خروج ترامپ از برجام، شاهد بودیم که دولت حسن روحانی بسیاری از امور کشور را به بهانه تحریم‌ها رها کرده بود که نادرست بودن آن بهانه‌ها با شروع دولت شهید رئیسی،

وزیر نفت: امروز هیچ نفتی به اسم ایران نمی‌توانیم بفروشیم
شرایط امروز سخت‌تر از زمان جنگ است



توضیح ربیعی درباره پول خرید واکسن کرونا: به خاطر FATF، انتقال پول چندین مرحله با مشکل مواجه شد / دولت قبلاً نیز اعلام کرده بود که نپیوستن به FATF آثار خود را نشان خواهد داد

ربیعی درباره اظهارات اخیر علی مطهری درباره خرید واکسن کرونا و ارتباط آن با FATF نیز گفت: در مورد واکسن قبلاً همکاران من در وزارت بهداشت توضیحات مفصلی ارائه دادند، در مورد انتقال پول بنابر قوانین تحریم و قواعد FATF چندین مرحله انتقال پول با مشکل مواجه شد و با موانعی رو به رو بودیم. به طور کلی نپیوستن به FATF آثار خود را نشان خواهد داد قبلاً نیز دولت دیدگاه خود را در این زمینه اعلام کرده بود.



نوبخت: حتی برای غذا و دارو، اجازه فروش یک قطره نفت را نمی‌دهند

معاون رئیس جمهوری گفت: شدیدترین مرحله تحریم نفت در برابر غذا بود اما الان در شرایطی هستیم که این بی‌انصاف‌ها و دزدیمان حتی برای غذا و دارو اجازه فروش یک قطره نفت را نمی‌دهند و اگر هم به فروش می‌رسد امکان تبادل مالی نباشد. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور گفت: با توجه به نامگذاری امسال از سوی رهبر فرزانه انقلاب به عنوان «جهش تولید»، بخش تولید ملی را بی‌توجه به تحریم‌ها جهش می‌دهیم.

تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۹۹ - ۲۰:۳۴



علی مطهری: به خاطر این که در لیست سیاه FATF هستیم، نتوانستیم پول واکسن کرونا را منتقل کنیم / سهمیه واکسن ایران باطل شد؛ مجمع تشخیص باید پاسخگو باشد

علی مطهری نوشت که سهمیه واکسن کرونا برای ایران به دلیل عدم تصویب FATF باطل شده و وی مجمع تشخیص مصلحت نظام را مسئول این اتفاق دانسته است.



ایران | چهارشنبه، ۲۹ خرداد ۱۳۹۸ | ۱۵:۰۸

زنگنه: نمی‌توانیم به اسم ایران نفت صادر کنیم

رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور

نفت در برابر غذا و دارو هم نمی‌توانیم بفروشیم

رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور گفت: اگر قبلاً "نفت در برابر غذا" را به عنوان یک مجازات سنگین برای ایران اسلامی پذیرفته بودند؛ اما در شرایط کنونی نه تنها نفت را در ازای غذا که حتی در ازای دارو هم نمی‌توانیم بفروشیم.





خبر



مسیر "مهار تورم" از سیاستگذاری های صحیح اقتصادی می گذرد

اکنون که قدرت خرید مردم بواسطه افزایش تورم کاهش پیدا کرده، می بایست بانک مرکزی آستین بالا بزند تا این بیماری مزمن را در اقتصاد کشور به صورت اساسی درمان کند، بیماری که هر چه دیرتر به آن رسیدگی شود موجودیت اقتصاد ایران را زیر سوال می برد.

اقتصاد کشور در سال های اخیر با تورم مزمن و بالا خود را در جامعه نشان داده؛ تومی که قدرت خرید مردم را کاهش داده و رونق تولید و سرمایه گذاری را نیز به چالش کشانده است؛ چرا که این پدیده ویرانگر نمی گذارد سرمایه گذاران مسیر خود را به سمت سرمایه گذاری و تولید بیاورند؛ البته همین موضوع هم باعث شده که اقتصادمان تنبل و در گوشه رینگ قرار بگیرد، اما در اینجا سوالی مطرح می شود، آیا راهکارهای سیاست گذاری برای کنترل تورم وجود دارد؟ اگر موجود هست چرامتولیان امر برای این پدیده سرکش و خانمان سوز در حالت انفعال به سر می برند و سکوت را در پیش گرفته اند.

باید به این نکته اشاره کرد که اکثر قریب اتفاق کارشناسان اقتصادی، ریشه تورم کشور را نه یک عامل منفرد، بلکه ترکیبی پیچیده که شامل رشد نقدینگی، بهره بانکی، ناتزاری بانک ها و نوسانات نرخ ارز بوده می دانند؛ البته راهکارهای حل این مسائل خطرناک را همه ارائه کرده اند ولی اراده ای برای اجرای دقیق و صحیح آنها نمی بینند، اکنون رشد نقدینگی افسار گسیخته شده یا اینکه ناترازی در برخی بانک ها فریادی می زند، همچنین تأثیر پذیری سفره مردم از نوسانات رازی هم نمایان شده و از سویی نیز نرخ بالای بهره بانکی در بانک ها مشهود است که همه این ها باعث می شود تا تورم سرسام آور شود و اقتصاد ایران را بحرانی کند؛ حالا این سوال ایجاد می شود که مسئول انضباط مالی کیست؟ آیا خطر را در اقتصاد لمس نمی کند و نمی بیند که سفره های مردم بی رنگ شده اند. البته باید اذعان کرد تا زمانی که دولت ها شاکف میان درآمد و هزینه خود را با استقراض از بانک مرکزی یا فشار بر بانک ها پر کنند، هرگونه تلاشی برای مهار تورم بی نتیجه خواهد ماند. تنها راهکار ثبات اقتصادی، اجرای دقیق و واقعی "انضباط مالی" است و وقتی هیچ برنامه ای برای کنترل نوسانات نرخ ارز و فشارهای تورمی وجود نداشته باشد، با اولین شوک ارزی بحران گرانی ها در جامعه لمس می شود و این را نیز تجربه نشان داده است، تجربه ای که هر زمان به سراغ مردم می آید رنگ از رخسارشان پرده می شود و گرد ناامیدی خانه هایشان را فرا می گیرد. جالب اینجاست که هر وقت شوک های ارزی اتفاق می افتد بانک مرکزی ومسئولان اقتصادی به جای بهره مندی از راه های متناسب اقتصادی به سراغ سرکوب ارزی می روند، ساستی که مقطعی و مسکن بوده و درس خود را در اقتصاد کشور پس داده است.

برخی از صاحب نظران اقتصادی بر این باورند که برای مهار تورم باید نرخ بهره بانکی کاهش پیدا کند تا اینکه دارایی ها و سرمایه های مردم به تدریج سمت تولید هدایت شود که از این طریق شود اقتصاد را پویا نگه داشت؛ البته کارشناسان اقتصادی دیگری هم هستند نظریاتی برای کنترل تورم ارائه کرده اند که در بازه زمانی کوتاه مدت شاید پاسخگو باشد اما در بلندت اقتصاد را دچار بحران می کند یکی از این راهکارها افزایش نرخ بهره بانکی است. به هر حال سیاست ها و راهکارهای علمی برای پدیده مزمن و ویرانگر تورم وجود دارد که اراده و عزم بانک مرکزی را می طلبد تا به سمت اجرای آنها حرکت کند اما آن چیزی که

دیده می شود عزم و اراده ای برای کنترل تورم وجود ندارد.

در همین راستا به سراغ برخی از اعضای کمیسیون اقتصادی فقیتم و بآنها در خصوص راهکار مهار تورم گفت وگو کردیم که متن این گفت وگوها در ذیل است:

روح اله ایزد خواه در گفت وگو با خبرنگار خانه ملت، با اشاره به اینکه برنامه هفتم راهکاری برای مهار تورم و نرخ ارز است گفت: قانون مذکور به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهایردی کشور، مجموعه ای از اهداف، سیاست ها و راهکارهای اقتصادی را برای حل چالش های ساختاری و بهبود شاخص های کلان اقتصادی پیش بینی کرده است، لذا مهار تورم و کنترل نوسانات ارزی به عنوان دواویات اصلی اقتصادی، جایگاه ویژه ای در این برنامه دارد.

وی افزود: بخش قابل توجهی از سیاست های پیش بینی شده در برنامه هفتم توسعه، با هدف ایجاد ثبات اقتصادی، اصلاح ساختارهای مالی و کاهش عوامل تورم زا طراحی شده است، بنابراین اجرای دقیق و منسجم این برنامه می تواند به کاهش فشارهای تورمی و بهبود شرایط اقتصادی کمک کند.

این نماینده مردم در مجلس عنوان کرد: در برنامه هفتم تقویت تولید، توسعه صادرات، افزایش آرزآوری، اصلاح نظام بانکی و ارتقای انضباط مالی و مجموعه ای از ابزارهای سیاسی است که کاهش نوسانات و افزایش ثبات در بازار ارز پیش بینی کرده است.

وی اظهار کرد: موفقیت برنامه های ضد تورمی و سیاست های ارزی، صرفاً به تدوین قوانین محدود نمی شود و اجرای دقیق، هماهنگی میان دستگاه های اقتصادی و نظارت مستمر بر اجرای سیاست ها از عوامل تعیین کننده در تحقق اهداف برنامه به شمار می رود.

ایزدخواه تأکید کرد: برنامه هفتم توسعه در صورت اجرای دقیق و هماهنگ، می تواند به عنوان نقشه راهی برای مهار تورم، کنترل نرخ ارز و حرکت اقتصاد کشور به سمت ثبات و رشد پایدار عمل کند؛ موضوعی که تحقق آن نیازمند همراهی تمامی دستگاه های اجرایی و اقتصادی کشور خواهد بود.

مهدی طیفانی در گفت وگو با خبرنگار خانه ملت، به راهکار مهار تورم اشاره کرد و گفت: معتقدم برای ایجاد ثبات اقتصادی باید در سیاست گذاری ها ثبات داشته باشیم؛ یعنی اینکه سیاست گذاری هایمان نوسانی نباشد، اخیرا تحقیقات بین المللی در خصوص "تورم" انجام شده و نتیجه اش این بوده که عمده کشورهایی که می خواهند با سیاست گذاری کارهای بزرگ انجام دهند بدون اینکه ظرفیت های لازم خود را افعال کنند و منابعی را پیش بینی کرده باشند دچار تورم های بزرگی می شوند.

وی افزود: یعنی تورم های بزرگ ناشی از بحران، تحریم، فشارهای اقتصادی و... نیست بلکه ناشی از این است که سیاست گذار می خواهد اتفاقات بزرگی را رقم بزند، اما منابع را در اختیار ندارد. کشورهایی مثل افغانستان، یمن و برخی از کشورهای آفریقایی همچون سومالی دولت و سیاست گذار ندارند اما می بینیم در این کشورها تورمی هم وجود ندارد، اما کشورهایی هم در آمریکا لاتین نظیر ونزوئلا که هم صاحب دولت هستند و هم اینکه سیاست گذار دارند ولی تورم دارند. نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس بیان کرد: ما اگر می خواهیم تورم در کشورمان کاهش پیدا کند باید بار دولت کم شود؛ یعنی دولت متناسب با منابعی که دارد بار را بر دارد، البته این هم مسیر دشواری خواهد بود چرا که توقعات از دولت زیاد بوده و وارد می شود که خلق پول کند و همین موضوع هم تورم را است.

منافعشان را می زنیم، دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به رفتار اخیر برخی کشورهای همسایه در همراهی با دشمن آمریکایی صهیونیستی خاطرنشان کرد: کشورهای اطراف ایران در جنگ اقتصادی با آمریکایی ها همراهی کنند یک قطره نفت از خلیج فارس و تنگه هرمز بیرون نخواهد رفت و مسیرهای دیگری که نفت از خلیج فارس صادر می شود را هم هدف قرار می گیریم.

رزمندگان ما آماده عملیات هستند

وی ادامه داد: این کاری که ترامپ با عنوان جنگ اقتصادی شروع کرده تبلیغاتی است. او چه کاری می خواهد بکند که قبلا نکرده است! با بحث محاصره دریایی؛ این مربوط به امروز نیست، ما در همین یکی دو ماه گذشته ۷۰ میلیون بشکه نفت را فرستادیم رفت. به تمام کشورهای اطراف می گویم که وارد جنگ اقتصادی علیه ایران نشوند و هر کسی که وارد شود ما آن کشور را دشمن می دانیم. اول مذاکره می کنیم که این کار را نکنند و اگر ادامه دهند آن کشور را هدف قرار می دهیم. رضایی در ادامه گفت: اگر همچنین کاری شروع کنند یک قطره نفت از خلیج فارس نمی گذاریم عبور کنیم. نفت نه از تنگه هرمز و نه خلیج فارس بیرون نخواهد رفت. ما قعلا تنگه هرمز را بستیم و با نفت خلیج فارس کاری نداریم، ما تاکنون به هیچ منافع اقتصادی آمریکا حمله نکرديم. بله با پناگه های آمریکا را زدیم. ولی مگر آمریکا کم منافع اقتصادی در کنار ما دارد! برادران ما آماده عملیات هستند اما ما بایک شیب عاقلانه و منطقی حرکت می کنیم. امیدواریم آمریکایی ها شرایط را تمام کنند و ما به مرحله بعدی نرسیم.

تنگه هرمز تا عمل آمریکا به تعهداتش بسته است

وی با اشاره به مدیریت تنگه هرمز افزود: تنگه هرمز علی رغم اد عای آمریکایی ها بسته است و تا آمریکا رفتارش را اصلاح نکند باز نمی شود. این بار آمریکا کاست که باید اول از همه به تعهداتش عمل کند. بیش از ۵۰ درصد سواحل خلیج فارس برای ایران است و این ما هستیم که باید تنگه هرمز را مدیریت کنیم. جمهوری اسلامی ایران خواهان پایان جنگ در غرب آسیاست و مقابل جنگ طلبان دنیا ایستاده است. دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با اشاره به جنگ همه جانبه تأکید کرد: جنگ ها در میابین نبر و دیپلماسی تعیین خواهد شد. ما دیپلماسی را میدان را میاز می دانیم. پرچم ملت ایران بالاست و بالا خواهد بود. ترامپ و نتانیاهو کاری نمی توانند بکنند. به آمریکا توصیه می کنیم نیرو اضافه نکنند که اگر اضافه کنند ما می زنیم. هر جلسه ای که با ضد انقلاب بگذاردن ما می زنیم. اکنون حملات ما هدف دار است. ما جنگ اقتصادی را خنثی خواهیم کرد. آمریکا گوشه دیوار است یا باید تعدادت به ما بدهند یا از کنج دیوار در بیایند و دست و پا بزنند که اوضاع بدتر می شود.

هرخانه می تواند یک لانچر جنگ اقتصادی باشد

وی با اشاره به نقش مردم و به خصوص جوانان در خروج از وضعیت کنونی جنگ اقتصادی با دشمن گفت: جوانان ایرانی وارد اقتصاد شوند. هر مرحله می تواند پایگاه موسکی جنگ اقتصادی باشد. در حال تهیه سند امنیت اقتصادی کشور در دبیرخانه شورا عالی امنیت ملی هستیم. هدف این است که کسب و کارها و بخش خصوصی باطمینان و بدون دغدغه از فعالیت خود، مسیر اقتصادی کشور را دنبال کنند.



پالس قدرت و عزت

گزارش

پس از اظهارات اخیر برخی مقامات دولتی و تیم مذاکره کننده

که کاملاً از موضع ضعف بود و آمریکا را به فشارهای بیشتر به ایران، امیدوار می کرد، شب یکشنبه سرلشکر محسن رضایی دبیر شورای امنیت ملی در یک گفت وگو-تویزویی مواضع قدرتمندانه و عزتمندانه ای اتخاذ کرد و پیام قدرت به آمریکا فرستاد.

برخلاف جریان حامی مذاکره و تسلیع و عقب نشینی، سرلشکر رضایی مواضع تهاجمی علیه آمریکا اتخاذ کرد. رضایی همچنین برخلاف عبدالنصر همتی که مدعی شده بود صادرات نفت ایران به علت فشارهای آمریکا صفر شده، اعلام کرد که ایران به اندازه توان تولیدش در حال صادرات نفت است و بدین ترتیب موضع خفت بار همتی را اصلاح کرد. سرلشکر رضایی همچنین سیاست مذاکراتی دولت پزشکیان را که به دو بار تجاوز نظامی به کشورمان منجر شده نقد کرد و گفت: بعد از چندین بار مذاکره و وعدهی آمریکایی ها باید در رفتار دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با دنیا اصلاحاتی انجام شود. سردار محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: در راهبردهای دفاعی ایران تکامل رخ داده از جنگ تحمیلی دوم دائماً در حال تکامل دفاعی-سیاسی است. ایران امروز ایران قبل از جنگ نیست؛ این قضیه درباره آمریکای پرمدعا هم صدق می کند و تصویر آمریکای صلح خواه و بزرگ کرده، در ذهن جوانان ایرانی عوض شده است.

وی افزود: در مقابل همه دنیا باید دید جدید به ایران نگاه می کنند. بعد از چندین بار مذاکره و وعدهی آمریکایی ها باید در رفتار دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با دنیا اصلاحاتی انجام شود.

پالس ذلت و حقارت



نفتی تکتکزکز اعلام کرده بود که ایران در مدت برداشته ششند محاصره ۶.۵ میلیارد دلار، نفت و فرآورده نفتی فروخته است. ۶.۵ میلیارد دلار کفاف ۶ ماه واردات کالاهای اساسی مورد نیاز کشور را می دهد، همچنین طبق آمار موسسه بین المللی کپلر، ایران اکنون ۸۳ میلیون بشکه نفت روی آب دارد و از این محل، صادرات نفت خود را ادامه می دهد. از طرفی طبق قانون بودجه، ایران باید ماهی کمتر از ۳ میلیارد دلار، درآمد نفتی محقق کند که با قیمت فعلی تهران ۹۰ دلار، با فروش ۱.۱ میلیون بشکه در روز، ایران تا ۷۵ روز دیگر یعنی اواسط آبان ماه وجود دارد. از طرفی با توجه به تأخیر حداقل ۲ ماهه در بازگشت ارز، درآمد نفتی ایران تادی ماه برقرار است. مجلس در نوامبر، در تأمین ارز چالش جدی نداشته و دارای ابتکار عمل برای تشدید تنش و تأثیر بر انتخابات آمریکا است و این فرصت نباید به پای مذاکره بسوزد.

۶۰۰ هزار بشکه در روز در پایان دولت روحانی به سرعت به ۱.۶ میلیون بشکه در روز رسید، بدون اینکه تحریم های ایران کم شود. بدین ترتیب بار دیگر مشخص شد که دولت های اصلاح طلب، با هدف تحمیل مذاکرات، حاضرند با شاخص های اقتصادی بازی کنند.

دروغ بزرگ همتی

هفته گذشته عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی دولت پزشکیان اعلام کرد که صادرات نفت و درآمد نفتی ایران صفر شده؛ در حالی که این حرف واضحاً دروغ است و پاسخ گل به جریان تسلیم طلب محسوب می شود. بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، وزارت نفت ۷.۵ میلیارد دلار پول فروش نفت را به حساب بانک مرکزی واریز کرده است. این پول مربوط به نفتی است که قبلاً فروخته شده است. همچنین پول نفتی که در مدت برداشته شدن محاصره فروخته شده باید به حساب بانک مرکزی واریز شود. پیش از این شرکت ردیابی محموله های

علت تحریم های آمریکا و نپذیرفتن شروط اف. ای. تی. اف. کسی به ایران واکسن کرونا نمی دهد؛ اما مردم شاهد بودند که بلافاصله با شروع دولت سیزدهم، میلیون ها دوز واکسن کرونا به کشور وارد شد و ایران به سرعت نسبت به آن بیامیز همه گیر مصون شد.

واکسیناسیون سراسری ایران با واکسن های وارداتی در ابتدای دولت شهید رئیسی مشخص کرد که بهانه تحریم ها یا اف. ای. تی. اف. چیزی جز فشار به نظام برای پذیرش دور جدید مذاکرات و عقب نشینی از مواضع بحق ایران نبود. مصداق دوم خلاف گوئی دولت حسن روحانی مربوط به صادرات نفت بود. در دولت روحانی به بهانه تحریم ها تلاشی برای صادرات نفت صورت نمی گرفت تا نظام برای پذیرش مذاکره با آمریکا تحت فشار قرار بگیرد.

مثلاً در شهریور ۱۳۹۹ محمد باقر نوینخت رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت روحانی ادعا کرد: حتی برای

غذا و دارو، اجازه فروش یک قطره نفت را نمی دهند. اما پس از شروع دولت سیزدهم و تغییر مدیریت وزارت نفت، صادرات نفت ایران ۲.۵ برابر شد و از

کرد صادرات و درآمد نفت کشور به صفر رسیده، قیمت دلار با شتاب بیشتری افزایش یافت و طی ۳ روز کاری پس از سخنان همتی و تکذیبیه های بانک مرکزی دلار ۵ هزار تومان گران شد.

نسخه تکراری اصلاح طلبان: به عشق تسلیم و مذاکره

مواضع اخیر همتی و سایر ارکان دولت پزشکیان، خطی است که دولت اصلاح طلب قبلی یعنی دولت حسن روحانی هم در دوره دوم خود پیش گرفته بود. پس از خروج ترامپ از برجام، شاهد بودیم که دولت حسن روحانی بسیاری از امور کشور را به بهانه تحریم ها کرده بود که نادرست بودن آن بهانه ها با شروع دولت شهید رئیسی، فاش شد. اکنون هم دولت مردان اصلاح طلب همان سیاست را در پیش گرفته اند.

دروغ هایی که دولت روحانی به اسم تحریم گفت

مثلاً دولت روحانی از واردات واکسن کرونا خودداری می کرد و مسئولان آن دولت بهانه می آوردند که به

مسیرهای دیگری تامین شود و همین مسئله می تواند فشار بیشتری بر منابع ارزی و بازار وارد کند.

از سوی دیگر، روند سالانه اعلام شده از سوی بانک مرکزی نشان می دهد مسئله در سال های اخیر تشدید شده است؛ به طوری که رقم تخلف از ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲ به ۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ و ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۴ رسیده است.

تحریم و شکاف نرخ؛ دو عامل موثر بر بازگشت ارز

در کنار توضیحات بانک مرکزی، فعالان صادراتی نیز بر نقش انگیزه های اقتصادی در بازگشت ارز تأکید دارند. محمد لاهوتی، رئیس کنفدراسیون صادرات ایران، در همین برنامه گفته است اختلاف میان نرخ رسمی و نرخ آزاد از می تواند انگیزه صادرکنندگان برای بازگرداندن ارز از مسیرهای رسمی را کاهش دهد. به گفته او، این شکاف در مقطعی به حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد رسیده است. لاهوتی تأکید کرده است که اصل بازگشت ارز مورد اختلاف صادرکنندگان و سیاست گذاران نیست، اما باید بررسی کرد چرا صادرکننده ارز خود را از مسیرهای تعریف شده باز نمی گرداند. از نگاه او، زمانی که صادرکننده نهاده و هزینه های تولید را با نرخ های نزدیک به بازار آزاد تأمین می کند، اما باید ارز حاصل از صادرات را با نرخ پایین تری عرضه کند، انگیزه اقتصادی برای بازگشت از مسیر رسمی کاهش پیدا می کند.

این مسئله نشان می دهد حل مشکل بازگشت ارز صرفا با ابزار نظارتی امکان پذیر نیست و ساختار نرخ های ارزی، هزینه های تجارت خارجی و محدودیت های انتقال پول نیز باید در تحلیل این موضوع لحاظ شود.

بخش پیرسک ۸۱ میلیارد دلار؛ ارز خارج شده از چرخه اقتصاد

از نگاه اقتصادی، مهم ترین بخش ماجرا آن قسمتی از ۸۱ میلیارد دلار است که واقعا از چرخه اقتصاد خارج شده باشد. دارایی میان ارزی که از مسیر رسمی بازنگشته، اما در اقتصاد مورد استفاده قرار گرفته و ارزی که به خروج سرمایه منجر شده، تفکیک قائل شده است.

او توضیح داده است که بخشی از این منابع ممکن است برای واردات، خرید ملک در خارج از کشور، خرید طلا و از سایر اشکال خروج سرمایه استفاده شده باشد؛ بنابراین رقم ۸۱ میلیارد دلار را نمی توان یکجا به عنوان خروج سرمایه در نظر گرفت؛ بلکه باید مشخص شود چه سهمی از آن در اقتصاد ایران گردش کرده و چه سهمی از کشور خارج شده است. این تفکیک برای سیاست گذار اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بر خروج با تخلف ارزی یک موضوع حقوقی است، اما شناسایی خروج سرمایه یک مسئله اقتصادی متفاوت است و ابزار های سیاسی متفاوتی نیز می طلبد.

ابهام های باقی مانده درباره سرنوشت ارز های صادراتی

اکنون که بانک مرکزی رقم ۸۱ میلیارد دلار را به عنوان مجموع تخلف در بازگشت از طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ مطرح کرده، انتظامی می رود جزئیات بیشتری درباره سرنوشت این منابع منتشر شود؛ از جمله اینکه چه میزان از این رقم از مسیرهای غیر رسمی، این تفکیک برای سیاست گذار اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بر خروج با تخلف ارزی یک موضوع حقوقی است، اما شناسایی خروج سرمایه یک مسئله اقتصادی متفاوت است و ابزار های سیاسی متفاوتی نیز می طلبد.

این رقم چقدر است، در نهایت، سؤال اصلی دیگر صرفا این نیست که ۸۱ میلیارد دلار کجاست؟؛ بلکه سؤال دقیق تر این است که از این ۸۱ میلیارد دلار چه مقدار خارج از مسیر رسمی، اما در داخل اقتصاد ایران گردش کرده و چه مقدار واقعا از چرخه اقتصاد کشور خارج شده است؟ پاسخ به این سوال می تواند مرز میان تخلف در بازگشت ارز، عدم بازگشت از مسیر رسمی و خروج سرمایه را روشن کند؛ سسه مفهومی که در روز های اخیر در افکار عمومی گاه به جای یکدیگر استفاده شده اند، اما از نظر اقتصادی و حقوقی تفاوت های اساسی دارند.

یکی از ابهام های مهم در این ماجرا، تفاوت میان رقم ۸۱ میلیارد دلار و عدد ۱۳۰ میلیارد دلار است. دارایی درباره رقم ۱۳۰ میلیارد دلار توضیح داده است که این عدد از کسر میزان ارز بازگشته از میزان صادرات به دست آمده و به همین دلیل نمی توان آن را معادل تخلف در بازگشت ارز دانست



۸۱ میلیارد دلار ارز صادراتی کجاست؟

که آیین نامه تعیین کرده به چرخه اقتصادی بازگرداند. حتی اگر صادرکننده ارز خود را بازگرداند، اما این کار از مسیرهای تعیین شده انجام نشده باشد، از منظر مقررات تخلف محسوب می شود. بنابراین، موضوع اصلی از نظر حقوقی و نظارتی، تخلف از مقررات بازگشت ارز است، نه اینکه بتوان تمام رقم ۸۱ میلیارد دلار را ارز متعلق به دولت دانست که ناپدید شده باشد.

اختلاف ۸۱ و ۱۳۰ میلیارد دلار از کجاشکل گرفت؟

یکی از ابهام های مهم در این ماجرا، تفاوت میان رقم ۸۱ میلیارد دلار و عدد ۱۳۰ میلیارد دلار است. دارایی درباره رقم ۱۳۰ میلیارد دلار توضیح داده است که این عدد از کسر میزان ارز بازگشته از میزان صادرات به دست آمده و به همین دلیل نمی توان آن را معادل تخلف در بازگشت ارز دانست. این تفکیک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اگر کل فاصله میان صادرات از بازگشته را به عنوان ارز گمشده در نظر بگیریم، مسیرهایی مانند واردات بدون انتقال ارز و سایر روش های ورود منابع به اقتصاد نادیده گرفته می شود. در مقابل، استفاده از ارز خارج از مسیرهای تعیین شده نیز به خودی خود تخلف از مقررات امنتفی نمی کند.

به همین دلیل، برای تحلیل دقیق ماجرا باید سسه موضوع جداگانه بررسی شود: میزان صادرات، میزان ارز بازگشته از مسیرهای رسمی و میزان تخلف در ایفاي تعهدات ارزی.

بازگشت ارز و اثر مستقیم آن بر بازار

مسئله بازگشت ارز صادراتی فقط یک موضوع نظارتی یا حسابداری نیست؛ این موضوع مستقیما با عرضه ارز، تأمین نیاز واردکنندگان و مدیریت بازار ارز ارتباط دارد. هرچه میزان ارز بازگشته از مسیرهای رسمی کاهش پیدا کند، دست سیاست گذار برای مدیریت عرضه ارز محدودتر می شود. در چنین شرایطی، تقاضای وارداتی باید از

اگرچه ۸۱ میلیارد دلار یک رقم تجمعی طی چند سال است، بخش قابل توجهی از آن در سال های اخیر شکل گرفته است.

۸۱ میلیارد دلار؛ تخلف در بازگشت، نه ارز گمشده

یکی از مهم ترین ابهام ها درباره این رقم، برداشت عمومی از عبارت ارز بازنگشته است. دارایی در توضیح این موضوع تأکید کرده است: «بسیاری تصور می کنند این ۸۱ میلیارد دلار اصلا به کشور بازنگشته است، در حالی که بخش قابل توجهی از این منابع به شکل غیرمستقیم وارد چرخه اقتصادی شده و فقط از مسیرهایی که ما تعیین کرده بودیم، بازنگشته است.» به گفته او، یکی از این مسیرها واردات بدون انتقال ارز است؛ روشی که در آن بانک مرکزی ارز واردکننده را تأمین نمی کند و خود واردکننده باید ارز مورد نیاز را تأمین و کالا را وارد کشور کند. دارایی همچنین گفته است در دوره جنگ، بخش قابل توجهی از کالا ها از همین مسیر وارد کشور شده اند. او همچنین تصریح کرده است: «موضوع اصلی، تخلف در بازگشت ارز حاصل از صادرات است و باید میان تخلف در بازگشت ارز و این ادعا که پولی از کشور خارج شده و دیگر بازنگشته، تفاوت قائل شد.»

در نتیجه، میان بازنگشتن از مسیر رسمی و خروج کامل ارز از اقتصاد تفاوت وجود دارد. از نگاه بانک مرکزی، تخلف زمانی رخ داده که صادرکننده ارز حاصل از صادرات را مطابق ضوابط مسیرهای تعیین شده به چرخه رسمی بازنگردانده است؛ اما از منظر اقتصادی باید بررسی کرد چه مقدار از این منابع همچنان در داخل اقتصاد گردش کرده و چه میزان واقعا از کشور خارج شده است.

تفکیک مالکیت ارز و تعهد صادرکنندگان

دارایی در بخش دیگری از اظهارات خود تأکید کرده است که رقم ۸۱ میلیارد دلار متعلق به بانک مرکزی یا بیت المال نبوده است. او درباره این ابهام گفت: «یک سوال مهم این است که آیا ۸۱ میلیارد دلار از منابع دولت و بانک مرکزی مورد سوء استفاده قرار گرفته است؟ پاسخ به این سوال منفی است و این برداشت از رقم اعلام شده درباره تخلف در بازگشت ارز، برداشت درستی نیست.» از نگاه بانک مرکزی، صادرکننده مالک ارز حاصل از صادرات است، اما طبق قانون مکلف است ارز حاصل از صادرات را از مسیرهایی

گزارش

عدد ۸۱ میلیارد دلار تخلف در بازگشت ارز صادراتی طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴، به یکی از مهم ترین ابهامات ارزی اقتصاد ایران تبدیل شده است؛ اما توضیحات مهدی دارایی، دستیار رئیس کل بانک مرکزی در امور ارزی، تصویر متفاوتی از این رقم ارائه می کند. به گفته او، این رقم به معنای خروج یا گم شدن ۸۱ میلیارد دلار از کشور نیست و بخش قابل توجهی از این منابع به شکل غیرمستقیم وارد چرخه اقتصادی شده، اما الزاما از مسیرهای تعیین شده در مقررات بازنگشته است. بحث درباره ارز های صادراتی بازنگشته، پس از انتشار ارقام متفاوت وارد مرحله تازه ای شده است. در حالی که در برخی روایت ها رقم ۱۳۰ میلیارد دلار به عنوان ارز بازنگشته مطرح شده، دارایی در برنامه تلویزیونی «میز اقتصاد» تأکید کرده که رقم ۱۳۰ میلیارد دلار به عنوان تخلف در بازگشت ارز صحیح نیست و رقم مورد استناد بانک مرکزی، ۸۱ میلیارد دلار تخلف در بازگشت ارز از سال ۱۳۹۷ تاکنون است.

روایت بانک مرکزی از جزئیات ۸۱ میلیارد دلار

دارایی توضیح داده است که الزام به بازگشت ارز حاصل از صادرات از فروردین ۱۳۹۷ و پس از شوک ارزی آن سال آغاز شد و در سال ۱۴۰۱ نیز پشتوانه قانونی پیدا کرد. به گفته او، نرخ بازگشت ارز که تا حدود سال ۱۴۰۰ به طور متوسط بالای ۸۵ درصد بود، از سال ۱۴۰۰ به حدود ۵۵ تا ۵۸ درصد کاهش پیدا کرد. براساس آمار اعلام شده از سوی دستیار رئیس کل بانک مرکزی، میزان تخلف در بازگشت ارز در سال ۱۳۹۷ حدود ۶ میلیارد دلار، در سال ۱۳۹۸ حدود ۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۹۹ حدود ۴ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۱۴۰۰ به حدود ۶ میلیارد دلار، در سال ۱۴۰۱ به حدود ۱۱ میلیارد دلار، در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۱ میلیارد دلار و در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسیده است. مجموع این ارقام، رقم ۸۱ میلیارد دلار را تشکیل می دهد.

این روند نشان می دهد مسئله در سال های اخیر تشدید شده و رقم اعلام شده از ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲ به ۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ و ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۴ رسیده است. در نتیجه،

اخبار



وابستگی تجارت خارجی ایران به امارات قابل جایگزینی است

رئیس اتاق مشترک ایران و چین با بیان اینکه اخلال در مبادلات مالی از سوی امارات بر تجارت خارجی ایران اثرگذار است اما می توان راه ها و روش های دیگر را جایگزین کرد، اظهار داشت: در شرایطی هستیم که برای ماه ها بابت معیشت مردم و در دسترس بودن کالا نگرانی نداریم و پیش بینی های لازم در این زمینه صورت گرفته است.

تجولات اخیر در روابط تجاری ایران و امارات، بار دیگر مسئله وابستگی بخشی از تجارت خارجی کشور به هاب های منطقه ای را برجسته کرده است؛ این وابستگی که چند دهه گذشته و تحت تأثیر محدودیت های ناشی از تحریم ها شکل گرفته و در شرایط کنونی با برنامه ریزی می توان آن را به محملی برای بازنگری در مسیرهای تجاری و شیوه های مبادلات خارجی ایران تبدیل کرد. در چنین شرایطی، اگرچه هرگونه اختلال در مسیرهای مالی و تجاری امارات می تواند در کوتاه مدت هزینه هایی برای فعالان اقتصادی ایجاد کند، اما برخورداری ایران از موقعیت جغرافیایی ویژه، مرزهای گسترده، همسایگان متعدد و دسترسی به مسیرهای دریایی و زمینی، امکان متنوع سازی شرکای تجاری و مسیرهای صادرات و واردات را فراهم می کند. از این منظر، چالش ایجاد شده می تواند فراتر از یک مسئله مقطعی، فرصتی برای کاهش آسیب پذیری تجارت خارجی و بازآرایی شبکه مبادلات اقتصادی کشور باشد؛ اقدامی که در کنار حفظ ثبات بازار و تأمین کالا، نیازمند سیاست گذاری دقیق و پرهیز از ایجاد نگرانی در افکار عمومی است.

مجدد رضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، در گفت وگویی خبرنگار اقتصادی ایرنا، درباره تصمیم اخیر امارات در قطع روابط تجاری با ایران و ایجاد اختلال در مبادلات مالی و تجاری با کشورمان اظهار داشت: قرن ها قبل از اینکه جایی به نام امارات در نقشه جغرافیایی جهان ثبت شود، نه تنها کشور ایران وجود داشته که بخشی از اقتصاد آن نیز بر پایه تجارت شکل گرفته بوده به طوری که از زمان اشکانیان و جاده ابریشم اولیه تا جاده ابریشم بعدی در ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال گذشته، ایران مرکز تجارت دنیا بوده است بنابراین اینکه بگوییم اگر امارات امروز نباشد، ما نمی توانیم تجارت کنیم، درست نیست و این وابستگی شدید وجود ندارد.

چرا امارات هاب تجارت ایران شد؟

حریری ادامه داد: علت اینکه امارات در دوتا سه دهه اخیر در تجارت خارجی ایران بزرگ شد، تحریم بود؛ امارات در حوزه تجارت خارجی یکی از راه هایی بود که برای دور زدن تحریم طراحی شد؛ حالا اینکه این اقدام اشتباه بوده یا درست، بحث دیگری است و فعلا وارد این موضوع نمی شوم. مسئله این است که با زندگی اقتصادی و تجارت خارجی خود را به یک کشور به نام امارات وابسته کنیم؛ این طور نیست که اگر امارات الآن تصمیم بگیرد در مبادلات مالی ما اختلال ایجاد کند، هیچ اتفاقی رخ نمی دهد.

وی گفت: اگر امارات در مبادلات مالی ما اختلال ایجاد کند، قطعاً بر تجارت خارجی اثر دارد، زیرا طی ۲۰ سال گذشته، خودمان را به هاب امارات به عنوان هاب صادرات و واردات کشور وابسته کرده ایم، این اختلال حتماً می تواند دو مسئله را از بین ببرد: یکی اینکه تحریم امروز به هر حال در شرایط فعلی برقرار نباشد و اینکه ما برای آن جایگزین پیدا کنیم. هر دو موضوع هم شدنی است؛ شاید بتوان گفت در کوتاه مدت انجام نشود، اما به هر حال امکان پذیر است. او تصریح کرد: شرایط فعلی بیش از اینکه مسئله امارات و نقش آن در حل یا عدم حل مسائل مالی اهمیت داشته باشد، باید به وضعیت کلی تجارت خارجی توجه کرد. ما الآن بیشتر از اینکه درگیر این باشیم که امارات مسائل مالی ما را حل می کند یا نمی کند، باید ببینیم آیا ما می توانیم تجارت خارجی مناسبی داشته باشیم یا خیر.

رئیس اتاق مشترک ایران و چین ادامه داد: در شرایط جنگ و محاسباتی که در این وضعیت وجود دارد، باید موضوع را به صورت کلی دید. اینکه ما به صورت جزئی به امارات بپردازیم، به نظر من موضوع راز مسئله بزرگتری که اکنون گریبان ما را گرفته است، منحرف می کند. به نظر من این بحث مبنای خیلی محکمی ندارد. امارات همان طور که می تواند یک شبه اعلام کند که مبادله مالی انجام نمی دهد، ممکن است به دستور دیگران چنین اقدامی را انجام دهد و از نظر من نباید بیش از اندازه به این موضوع اهمیت داد. وی گفت: امارات در حوزه تجارت خارجی ما عموماً کار مالی برای صادرات انجام می داده و ما الآن اصلا باید بیشتر به موضوع صادرات بپردازیم تا اینکه پول آن چگونه برمی گردد. موضوع صادرات ما از نظر دریافت منابع، فعلاً در حالت مناسبی نیست و فکری کنیم پرداختن صرف به مسئله امارات بتواند آن را حل کند.

حتی در شرایط عادی هم می توان جای دیگری را جایگزین امارات کرد

حریری درباره مسیرها و کشورهای جایگزین برای امارات نیز اظهار کرد: به هر حال صلحت نیست که ما الآن مسیرهای جایگزین احتمالی را هم اعلام کنیم. قبل از اینکه هیچ اقدامی انجام بدهیم؛ زیرا همان مسیرها هم می تواند دچار اختلال شود. به نظر من، حتماً مسیرهای دیگری وجود دارد. ما کشور پهنایور هستیم و تعداد زیادی همسایه داریم و تعدادی کشور نیز در فاصله بسیار نزدیک با ما قرار دارند. می توانیم از همین کانال ها استفاده کنیم و این موضوع غریب و خیلی بعدی نیست. این کار سهل است و در شرایط عادی به راحتی می توان جای دیگری را به جای امارات جایگزین کرد.

این فعال اقتصادی تصریح کرد: کسی که بیشتر ضرر می کند، امارات است تا ما. این موضوع بسیار محتمل است، زیرا الآن اصولاً موضوع اصلی ما در مبادلات مالی تجارت خارجی این نیست که فقط پول جابه جا شود؛ اصل موضوع این است که بتوانیم کالا را برای صادرات یا واردات حمل کنیم. رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین در پاسخ به این پرسش که آیا شرایط ایجاد شده می تواند نقطه آغاز بازطراحی نقشه تجارت خارجی ایران و کاهش وابستگی به هاب های تجاری منطقه باشد، گفت: قطعاً به نقطه ای رسیدهایم که به هر حال از منظر تصمیم گیری های سیاسی می بایستی زوایا اقتصادی خودمان را به در راه دیگری هدایت کنیم. تا جایی که امروز آمده ایم، چه در حوزه اقتصاد بین المللی و چه در حوزه اقتصاد داخلی، نقاط ضعف بسیار زیادی داشته ایم و این نقاط ضعف باعث شده است که امروز دشمن فریبکار احمق و بی رحم، یعنی ره تعبیری که در تاریخ بین المللی وجود دارد و اکنون دشمن ماست، بتواند از این نقاط ضعف استفاده کند.

حریری ادامه داد: حتی آدم دیوانه ای مثل ترامپ نیز دست گذاشته روی این مسئله و می گوید من اصلاً مذاکره نمی کنم و کاری هم ندارم؛ اینها خودشان اقتصاد خودشان را از بین می برند. در شعارهایی که ترامپ می دهد، یک سری حقایق وجود دارد که به ما نشان می دهد اگر اقتصاد ما هم مثل توان موشکی مان مستقل و قدرتمند بود، قاعدتاً این اتفاق رخ نمی داد.

امنتی شود که این موضوع بستر حضور مستقیم ارتش آمریکا در مرز ایران را فراهم می کند. تحقق اهداف «مسیر ترامپ» و ایجاد تهدید علیه ایران نیازمند جذب سرمایه است و این سرمایه گذاری در صورتی محقق می شود که سودآوری مورد انتظار سرمایه گذاران را تأمین کند. با توجه به این موضوع ایران می تواند با احداث راه آهن کاله-جلفا و اعمال تخفیف های ترانزیتی، این کریدور را از انتفاع ساقط کند. راه آهن کاله-جلفا از روستای آغ بند جمهوری آذربایجان وارد ایران می شود و پس از عبور از شهر جلفا به منطقه نخجوان می رسد. این راه آهن همچنین در صورت احیای اتصال ریلی نخجوان به ارمنستان به ایروان منتهی می شود.

با احداث راه آهن کاله-جلفا، جمهوری آذربایجان به خاسته خود مبنی بر اتصال به نخجوان دست پیدا می کند و همچنین ارمنستان به راه آهن نخجوان متصل می شود که در راستای طرح «چهارراه صلح» دولت این کشور است. در این میان، ایران با ارائه تخفیف های رقابتی ترانزیتی، نه فقط مزیت عبور از مسیر ترامپ را از بین می برد؛ بلکه جمهوری آذربایجان و ارمنستان را به شبکه سراسری ریلی خود پیوند می زند؛ شبکه ای که ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و آب های گرم جنوب را به هم متصل می سازد. لازم است جمهوری اسلامی ضمن اعلام موضعی می برد؛ بلکه جمهوری آذربایجان و ارمنستان احداث راه آهن کاله-جلفا را نه با نگاهی صرفا اقتصادی، بلکه با نگاهی راهبردی در جهت تأمین امنیت ملی خود، دنبال کند.



نقض می کند؛ چراکه در این شرایط کنترل مرز ایران با ارمنستان و روابط دو کشور در اختیار آمریکا قرار می گیرد.

چگونه راه آهن کاله-جلفا تهدیدهای «مسیر ترامپ» را خنثی می کند؟

موضوع خطرناک، اجازه حضور یک شرکت امنیتی آمریکایی در ماده هفت توافق نامه است. این شرکت امنیتی که طبعاً آمریکایی خواهد بود، می تواند مدعی تهدیدات گسترده و ناتوانی تأمین

است که امضای توافقنامه «چارچوب همکاری راهبردی میان آمریکا و ارمنستان درباره مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین المللی (TRIPP)» توسط وزرای خارجه ارمنستان و آمریکا در ۱۴ خرداد ۱۴۰۵ نشان داد که ادعای دولت ارمنستان نادرست است. مطابق این توافق دولت آمریکا مالک سهام کنترلی ۷۴ درصد شرکت توسعه TRIPP در محدوده سرزمینی ارمنستان می شود. این موضوع عملاً حاکمیت دولت ارمنستان را

ارمنستان احداث کریدور جعلی «زنگرور» با نام جدید «مسیر ترامپ» (TRIPP) توسط آمریکا جعلی «زنگرور» برآمد. این اقدام که موجب تغییر مورد توافق طرفین قرار گرفت. «مسیر ترامپ» از ابتدا باعث نگرانی ایران شد که این طرح همان تغییرات ژئوپلیتیک کریدور جعلی «زنگرور» را در پی داشته باشد. دولت ارمنستان همواره این نگرانی را اینطور پاسخ داده که این طرح یک پروژه اقتصادی است و حاکمیت ارمنستان بر جغرافیای «مسیر ترامپ» حفظ خواهد شد. این درحالی

پس از ناگامی جمهوری آذربایجان و متحد خود، ترکیه برای ایجاد کریدور جعلی «زنگرور» آمریکا مستقیماً مسئولیت احداث این کریدور را برعهده گرفت. در پیاپی مشترک ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ (روسی جمهور آمریکا و جمهوری آذربایجان و نخست وزیر

